

## مطالب تاریخی بسیار جالب و مهم

علی مشیری

در باره تعصبات مذهبی و فعالیت‌های آقانجفی و ظل‌السلطان - قطعنامه علمای اصفهان و لوح بهاء‌الله ظل‌السلطان که با مراجعه به اسناد و اوراق محرمانه اداره اسناد عمومی و مجموعه خطی بریتیش موزیوم در لندن تهیه گردیده

پس از اینکه قونسول روس بابی‌ها را از قونسولگری اصفهان خارج کرد و امید آنان را به کلی قطع نمود وحشت بهایی‌ها که در آن موقع به غلط به آنها بابی می‌گفتند روز به روز شدت یافته و ناچار می‌کردند از مرشد خودشان میرزا حسینعلی استمداد بجویند میرزا حسینعلی ملقب به بهاء‌الله بی‌خبر از زوال نفوذ ظل‌السلطان تصور می‌کند با جلب حس رأفت او ممکن است از شدت عمل طلاب اصفهان و یزد نسبت به مریدانش کاسته شود لذا لوح مفصلی از عکابه خط و امضاء و مهر خودش برای ظل‌السلطان صادر و به وسیله جوانی مستقیماً برای وی می‌فرستد.

این لوح به زبان عربی است و سعی شده مرتب تمیز و با خط خوبی نوشته شود و قسمتی از لوح از بالای صفحه تا پائین و قسمت دیگر در حاشیه از پائین به بالا نوشته شده در نتیجه مهر (حسین و علی) که دارای شکل بادامی است و امضاء که عبارت از عدد (۱۵۲) که به حساب امجد (بهاء) می‌باشد با تقلید از فرامین سلطنتی در بالای صفحه قرار گرفته است.

عبارات سطر اول به قرار زیر است: هو الغریزان یا محمد بشرف نفسک هما نزل علیک کتاب قدس کریم... (عکس این سند منحصر به فرد را رئیس کتابخانه موزه بریتانیا در لندن به نگارنده سطور وعده داده که پس از جلب موافقت مقامات مربوطه بعداً در اختیار مجله‌ی خواندنی‌ها بگذارد).

باری ظل‌السلطان برای این که مبادا این مطلب یعنی وصول لوح فاش شود و علاوه بر رسوایی بدست دولت و دشمنان شخصی وی بهانه تازه‌ای داده و گرفتاری‌های دیگری برای او تولید نماید ناگزیر می‌گردد مطلب را فاش نماید.

لذا روی همان لوح شرحی به عنوان ظهیرالدوله نوشته و بدین وسیله سعی می‌کند دست‌آویزی برای مدعیان خود ندهد.

اینک عین عباراتی را که ظل‌السلطان نوشته در این جا نقل می‌شود «جناب ظهیرالدوله با وجودی که دیشب در کمال تنگی وقت بود این کاغذ را از برای شما فرستادم ملاحظه خواهید فرمود. این رطب و یابس را به هیچ چیز حمل نمی‌توان کرد از این پدر سوخته مگر به اغتشاش دماغ والا چهار کلمه لفظ عربی نا مربوط نوشتن چه دخلی به قطبی ولایت دارد پس از این قرار هر ادنی طلابی صد مراتب بهتر و مربوط‌تر از این چیز می‌نویسد و هیچ ادعایی هم ندارند. لعنت خدا و نفرین رسول بر این مرد بی‌ننگ و نام باد که بدون جهت مسلمانان را از جاده مستقیم شرح انور به راه ضلالت می‌اندازد.

باری علی الحساب قدغن بلیغ بکنید که این ملا عین اشرار را در کمال سختی و مضبوطی نگاه بدارند تا انشاءالله حکم سیاست آنها از دارالخلافة برسد و به سزا و جزای این اعمال رکیکه برسند.

جهان پاک از این جمله ناپاک به خداوند بندگان خود را از شر اینها پدر سوخته‌ها محفوظ بدارد»

ظهیرالدوله پس از چند سال این نوشته را به مستر چرچیل شارژ دافر سفارت انگلیس در تهران که طالب جمع‌آوری خطوط وزراء، علماء، شعرا و بعضی از مشاهیر ایران بوده است به عنوان یادگار تقدیم و در زیر آن چنین نوشته است.

«به تاریخ شنبه ۲۴ شهر ربیع الثانی این قطعه را به عنوان یادگار به دوست عزیز و مشفق مهربان خودم سرکار مقرب الخاقان چرچیل صاحب تقدیم کردم ۱۳۱۱ هجری صفا علی»

این نوشته و خطوط مهم دیگر به خط قائم مقام فراهانی - مهد علیا مادر ناصرالدین شاه، محمد شاه قاجار و عباس میرزا و غیره در پرونده مخصوصی جمع آوری و در کتابخانه موزه بریتانیا ضبط گردیده است.

### تطعنامه علمای اصفهان

که ضمیمه گزارش محرمانه شماره ۳۲ مورخه ۱۵ جولای ۱۹۰۶ قونسول انگلیس در شهر اصفهان به سفارت انگلیس در تهران فرستاده شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة به تاریخ پنجشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۴ آن چه را که این خدام شریعت مطهره ملتزم شده ایم مهما امکن بعد ذلک خودمان معمول داریم پنج فقره است:

اولاً- قبالة جات و احکام شرعیه از شنبه ۱۴ به بعد باید فقط روی کاغذ ایرانی باشد که از حک عبارت و تبدیل مصون و با دوام تر است، اگر کاغذهای دیگر هم (مقصود نامه های دیگر است) که روی کاغذ ایرانی نباشد و تاریخ بعد از این قرار جدید باشد امضاء نماییم کاغذ ایرانی حرام نیست و مانع نمی شویم ولی خود ماها به این روش متعهد شده ایم.

ثانیاً- کفن اموات اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد متعهدیم بر آن میت ماها حتی المقدور نماز نخوانیم جز به ضرورت نام دیگری در آن صورت هم برای اقامه صلاة آن میت ماها را معاف بدارند.

ثالثاً- ملبوس مردانه جدید که از این به بعد دوخته و پوشیده می شود قرار دادیم مهما امکن هر چه بدل آن در ایران یافت می شود لباس خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیر ایران را نپوشیم و ما منع نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباس غیر ایرانی را،

ولی ما خودمان ملتزم شده‌ایم حتی الامکان بعد از این ملبوس خود را نسیج ایرانی نماییم همین قدر متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد آن چه از سابق دوخته و موجود داریم استعمالش ممنوع نیست.

رابعاً- میهمانی‌ها بعد ذالک مختصر باشد ولو هر اندازه اعیانی و نمره اول بوده چه عامه و چه خاصه یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره اگر زاید بر این کسی تکلف دید ما را بدان مجلس وعده نگیرند، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم هر چه از این هم کمتر و یکرنگ‌تر و مختصرتر آورند بیشتر ممنون می‌شویم و میزبان را می‌ستاییم.

خامساً- به وافوری احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم زیرا به آیات باهره لاتلقو بایدیکم و غیره و احادیث متواتره لاضرر و لاضرار و غیرها ممنوع است و ضررهای مالی، جانی، نسلی، عمری، دینی، عرضی، ناموسی، شغلی، وقتی و حالی آن محسوس و مسری است بسی خانواده‌ها و ممالک را به باد فنا داده بعد ذلک هر کس را فهمیدیم وافوری است به نظر خفت و توهین می‌نگریم.